

روایت سرخپوشان در دل آبهای خروشان

وقتی آب مسیرش را پس می‌گیرد^۲



روایت ۹ روز زندگی در تاریکی^{۱۳}

ارتباط حرفه‌ای در شرایط اضطراری^{۱۲}

آمادگی؛ سپر جان، سد سیلاب^۸

سیل، خبر می‌دهد^۶

یادداشت

آمادگی برای روز مبادا

همین حالا هم پاییز نیامده غوغا کرده است؛ پاییز هنوز دست هزاررنگ خود را روی تن درختان نکشیده و در ظاهر و باطن فرا نرسیده، اما یکی از نشانه‌هایش، که بیشتر مواقع در ایران رخ می‌دهد، از راه رسیده است: سیل. همین حالا که در حال نوشتن گزارش‌های پیام هلال هستیم، در شهرهای شمالی سیل روان شده است و هر روز هم هشدار سیل در حداقل ۲۱ استان کشور، منتشر می‌شود. این‌ها اما همه ماجرا نیست، هشدار وقوع ال‌نینو و تغییرات اقلیمی و حتی سیلی که در نپال اتفاق افتاد، بهانه‌ای شد تا برویم سراغ سیل؛ مخصوصاً این که سیل امسال زودتر از پیش‌بینی‌ها خودش را به ما نشان داد؛ بنابراین در این شماره پیام هلال، درباره بررسی شرایط اقلیمی و تأثیر آن بر وقوع احتمالی سیل در ایران، تجربه‌های امدادگران از سیل‌های گذشته، تجربه انسانی امدادگران در سیل نپال و اهمیت آموزش شهروندان در مواجهه با سیل نوشتیم؛ باشد که این شماره پیام هلال، به پرونده‌ای برای روز مبادا تبدیل شود.

روایت سرخ پوشان در دل آب های خروشان

وقتی آب مسیرش را پس می گیرد

سپما فرهانی | سیلاب یکی از حوادث طبیعی پر تکرار و پر خسارت در ایران است. مخاطره های که مهار و پاسخ به آن، نیازمند تصمیم گیری دقیق مدیریتی، آمادگی زیر ساختی و مهارت بالای عملیاتی در صحنه حادثه است. جمعیت هلال احمر طی دهه ها حضور در خط مقدم بحران ها، دانش و تجربه های میدانی ارزشمندی ثبت کرده است. از سیلاب های گسترده گلستان، لرستان و خوزستان گرفته تا آب گرفتگی های غافلگیر کننده شمال و پایتخت، همه را مدیریت کرده است. تجربه هایی گران بها که نه در پشت میزها، بلکه با ورود به دل امواج خروشان، آزمون و خطاهای سخت میدانی و حتی به بهای به خطر افتادن جان امدادگران و نجاتگران به دست آمده است.

در این گزارش، سه چهره با سابقه جمعیت، در سه سطح راهبردی و عملیاتی، موضوع سیلاب را از نگاه مدیریتی و کلان، رویکرد آموزشی و فنی و در نهایت روایت فرماندهی میدانی در دل جریان های تند آب بررسی کرده اند. رئیس پیشین سازمان امداد و نجات، مربی نجات در سیلاب و فرمانده عملیات، هر کدام خاطرات و تجربه های گرانبهایی در این زمینه داشته اند. این روایت صرفاً مرور خاطرات نیست. بلکه تجربی، مدیریتی و آموزشی است. با خواندن این روایت ها، هم با چالش های پیشگیری و مدیریت سدها و رودخانه ها آشنا می شوید، هم اصول فنی و خود امدادی در مواجهه با سیل را آموزش می بینید و هم نتیجه دهه ها تجربه هلال احمر در نجات جان انسان ها را مرور می کنید.

مهدی ولی پور، مردی که سال ها در مدیریت و صحنه های سخت حوادث سابقه دارد، از سال های خدمتش در هلال احمر می گوید. او که مدت های طولانی در استان های شمالی کشور و سپس در رأس سازمان امداد و نجات، تجربیات میدانی فراوانی اندوخته، سیل را پدیده ای ناشناخته، نمی داند: «اگر به تاریخ و اسناد گذشته نگاه کنیم و پای صحبت قدیمی ها بنشینیم، در استان های باران خیز شمالی معمولاً بارندگی ها به این سادگی تبدیل به سیلاب های سنگین و ویرانگر نمی شد. حوادث دو دهه اخیر، علت های مشخصی دارد. در کنار پدیده گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی که کل دنیا و کشور ما را درگیر کرده، بخش مهمی از مشکلات به مسائل دیگر برمی گردد؛ مسائلی مثل ساخت و سازها در حریم و بستر رودخانه ها که نقش اصلی را دارند. من در استان های گیلان و مازندران مستقیماً خدمت کرده ام و بعد هم در سازمان امداد و نجات وضعیت کل کشور را از نزدیک دیده ام. آب مثل رگ های بدن انسان است. شریانی طبیعی دارد که مسیرش همیشه مشخص است. شاید ۱۰ سال خشکسالی باشد و باران نبارد و آبی از رودخانه ای که خشک شده، جریان پیدا نکنند، اما به محض بارش سنگین، آب دوباره همان بستر قدیمی خودش را پیدا می کند و جاری می شود. غفلت ما در رعایت حریم رودخانه ها، دست کاری جنگل ها و حتی احداث غیراصولی برخی سدهای خاکی در ۲۰ سال گذشته، باعث شده خسارت سیل ها چند برابر شود. این سدها باعث می شود آب بند بیاید و بعد آب با حجم زیادی از میان سنگ و گل ولای سرریز کند. همین مسائل باعث می شود که خسارت ناشی از سیلاب تشدید شود.»

ماموریتی نتیجه بخش در سیلاب سال ۹۸

ولی پور هنوز صحبت هایش به خاطرات سیل های گذشته گره خورده است. او از فرآیندی می گوید که پیش از رسیدن سیلاب در هلال احمر کلید می خورد تا از جان و مال مردم محافظت شود: «در جمعیت هلال احمر ما نجاتگران و امدادگران را در قالب تیم های عملیاتی سازماندهی می کنیم. به محض اینکه هشدارهای هواشناسی و مدیریت بحران صادر می شود، هلال احمر هم نیروها و تجهیزاتش را به حالت آماده باش درمی آورد و هم برای پیشگیری به کمک دستگاه های مسئول می رود. هرچند وظیفه اصلی پیشگیری با ما نیست، اما با فرمانداری ها، بخشداری ها و دهیاری های روستایی تماس مستقیم می گیریم. بچه های ما با خودروهای امدادی وارد روستاها می شوند، با بلندگو و از طریق مساجد اعلام عمومی می کنیم که مردم از حاشیه رودخانه ها فاصله بگیرند. اگر احتمال محاصره روستا بالا باشد، بر اساس تجربه امدادگران و هشدارها، برای تخلیه سریع آن منطقه اقدام می کنیم. در سیل سال ۹۸ که ۲۸ استان کشور درگیر شدند، با وجود آسیب سنگین به زیرساخت ها و منازل، با همکاری مردم و تخلیه به موقع روستاها، تلفات جانی در مقایسه با وسعت حادثه بسیار کم بود. هرچا مردم و مسئولان هشدارها را جدی گرفتند، جان انسان های کمتری به خطر افتاد.»

او پیشگیری را حلقه اصلی مدیریت بحران در کشور می داند و لایروبی نشدن به موقع رودخانه ها و معابر را ریشه بسیاری از آب گرفتگی های شهری معرفی می کند: «وقتی لایروبی رودخانه ها و نهرهای شهری به موقع انجام نشود و کار به ۴۸ یا ۷۲ ساعت قبل از بارندگی موکول شود، در دو روز نمی توان کل بستر یک رودخانه را پاکسازی کرد. در سیلاب های اخیر گیلان و مازندران هم دیدیم که تجمع زیاد آب در شهرها ناشی از همین عدم دفع آب های سطحی بود. برای حل این مساله، ما سال ۱۳۹۲ در استان مازندران طرح «خانه های هلال» را کلید زدیم تا آموزش و امداد را به دل روستاها و محله ها ببریم. خانه هلال بهترین حلقه واسط بین مردم و جمعیت است. اگر مردم آموزش ببینند، خسارت های انسانی و سازه ای به شدت کم می شود.»

پیشرفت چشمگیر در سال های اخیر

مهدی ولی پور دفتر خاطرات سال های خدمتش را ورق می زند. روزهایی که تصمیم های درست یا تاخیرهای چند ساعته می توانست سرنوشت صدها خانواده را تغییر دهد. او از تجربیات سیل های جنوب و بحران های مونسون می گوید: «در سیلاب های اواخر دهه نود و پدیده مونسون در هرمزگان، مشکلی که داشتیم مربوط به سد بالادست میناب بود. اگر درچه های سد زودتر و به مرور تخلیه می شد، آب سرریز نمی کرد و چند روستای پایین دست زیر آب نمی رفت. تاخیر در باز کردن درچه ها باعث شد یکباره حجم زیادی آب رها شود و خسارت سنگینی به مردم وارد کند. ما در کشور دفاع نظامی و غیرنظامی داریم. همان طور که برای نیروهای نظامی اعتبارات و تجهیزات مناسب در نظر گرفته می شود، دفاع غیرنظامی و هلال احمر هم که وظیفه اش نجات جان و امنیت مردم است، باید حداقل نیمی از آن توجه و بودجه را دریافت کند. تجهیزات سیلاب با یک پا دو بار استفاده فرسوده می شوند و باید مدام به روزرسانی شوند. بنابراین باید به این مساله، توجه ویژه تری شود. هرچند که در سال های اخیر و در زمان ریاست فعلی جمعیت هلال احمر، به اینگونه مسائل توجه بسیاری شده است. امکانات، تجهیزات و رسیدگی به مسائل مربوط به امدادگران داوطلب، بیش از پیش چشمگیر و قابل توجه است و همین مساله باعث پیشرفت عملیات ها در حوادث مختلف شده است. نیاز است که این توجه به صورت مستمر ادامه یابد، تا بتوانیم با ایمنی بیشتری از حوادث مختلف عبور کنیم.»

اصل اول؛ حفظ جان امدادگر

بحث به امنیت خود امدادگران و مرز فداکاری در عملیات نجات کشیده می شود. ولی پور از لزوم حفظ جان نجاتگران سخن می گوید و تاکید می کند نجات جان دیگران نباید به قیمت از دست رفتن جان نیروی امدادی تمام شود: «طبق قانون مدیریت بحران مصوب سال ۹۸، مسئولیت نجات رسماً بر عهده هلال احمر گذاشته شد، اما همین قانون الزامات مهمی دارد: تامین نیروی متخصص، تجهیزات به روز و اعتبارات کافی. وقتی مسئولیت قانونی داریم باید امکانات و معیشت امدادگر هم پایدار باشد. از طرفی، امدادگران ما بسیار انسان دوست و فداکارند، اما نباید احساسی وارد میدان شوند. اصل اول در حوادث، ایمنی و حفظ جان خود امدادگر است. فرمانده میدان اگر ببیند خطری جان نجاتگر را تهدید می کند یا ریسک بالاست، نباید اجازه ورود بدهد. در سیلاب ها شجاعت باید همراه با تجهیزات و درایت باشد.»

پیشرفت چشمگیر در سال‌های اخیر

مهدی ولی‌پور دفتر خطرات سال‌های خدمتش را ورق می‌زند. روزهایی که تصمیم‌های درست یا تاخیرهای چند ساعته می‌توانست سرنوشت صدها خانواده را تغییر دهد. او از تجربیات سیل‌های جنوب و بحران‌های مونسون می‌گوید: «در سیلاب‌های اواخر دهه نود و پدیده مونسون در هرمزگان، مشکلی که داشتیم مربوط به سد بالادست میناب بود. اگر دریچه‌های سد زودتر و به مرور تخلیه می‌شد، آب سرریز نمی‌کرد و چند روستای پایین‌دست زیر آب نمی‌رفت. تاخیر در باز کردن دریچه‌ها باعث شد یک‌باره حجم زیادی آب رها شود و خسارت سنگینی به مردم وارد کند. ما در کشور دفاع نظامی و غیرنظامی داریم. همان‌طور که برای نیروهای نظامی اعتبارات و تجهیزات

مناسب در نظر گرفته می‌شود، دفاع غیرنظامی و هلال‌احمر هم که وظیفه‌اش نجات جان و امنیت مردم است، باید حداقل نیمی از آن توجه و بودجه را دریافت کند. تجهیزات سیلاب با یک یا دو بار استفاده فرسوده می‌شوند و باید مدام به‌روزرسانی شوند. بنابراین باید به این مساله، توجه ویژه‌تری شود. هرچند که در سال‌های اخیر و در زمان ریاست فعلی جمعیت هلال‌احمر، به اینگونه مسائل توجه بسیاری شده است. امکانات، تجهیزات و رسیدگی به مسائل مربوط به امدادگران داوطلب، بیش از پیش چشمگیر و قابل توجه است و همین مساله باعث پیشرفت عملیات‌ها در حوادث مختلف شده است. نیاز است که این توجه به صورت مستمر ادامه یابد، تا بتوانیم با ایمنی بیشتری از حوادث مختلف عبور کنیم.»

نجات خانواده گرفتار در تند آب فومن

سعید غاریبی، مسئول پایگاه‌های امداد و نجات استان گیلان، مردی با کوله‌باری از ۲۲ سال تجربه میدانی در شرایط سخت اقلیمی شمال کشور است. او اقلیم گیلان و رودخانه‌های خروشان کوهستانی‌اش را مثل کف دست می‌شناسد: «در گیلان با شروع پاییز همواره خطر سیلاب وجود دارد. به دلیل ظرفیت محدود بستر رودخانه‌ها، در شهرها با آب‌گرفتگی و در مناطق کوهستانی مثل رودسر، کاکرود، لوشان و آستارا با رانش و سیل‌های سنگین روبه‌رو می‌شویم. در حوادث سال‌های اخیر، سیل آستارا و پیربازار رشت از عملیات‌های پیچیده ما بودند که با خروج اضطراری و اسکان به موقع مردم توانستیم حادثه را مدیریت کنیم. در سیلاب هم مانند حوادث کوهستان، تجربه و آموزش حرف اول را می‌زند. وقتی فرد باتجربه نباشد، ممکن است فاجعه‌ای وحشتناک رخ دهد. ما تیم‌های واکنش سریع را وارد میدان می‌کنیم، چون جریان تند آب اصلاً شوخی‌بردار نیست و یک اشتباه کوچک می‌تواند آخرین اشتباه امدادگر باشد.»

۲۰۰ متر شنا برای نجات

این امدادگر با سابقه جمعیت هلال‌احمر، جزئیات یکی از ماموریت‌های نفس‌گیر دوران خدمتش در فومن را شرح می‌دهد: «سال‌ها پیش سیلاب شدیدی در فومن رخ داد. رودخانه پر شده بود و آب با فشار بسیار بالا وارد شهر و محله‌ها شد. حوالی ساعت دو بعدازظهر به ما خبر دادند در نزدیک پمپ‌بنزین فومن چند خانه در محاصره شدید آب هستند. همراه تیمی پنج نفره خودمان را به محل رساندیم. دیوارهای خانه‌ای در انتهای کوچه شکاف برداشته بود و آب با سرعت زیاد از داخل آن می‌گذشت. داخل خانه پنج نفر از جمله یک خانم باردار گرفته شده بودند و اگر دیر می‌رسیدیم سازه کاملاً تخریب می‌شد. من به عنوان فرمانده تیم، ابتدا خودم وارد جریان آب شدم و مسافتی حدود ۲۰۰ متر شنا کردم تا به خانه رسیدم و کارگاه فنی نجات را روی درختان و سازه‌های محکم برپا کردم.»

نبرد با موج‌های سرکش در دزفول

حسین حسن‌پور، مربی با سابقه نجات در سیلاب است. او که ده‌ها امدادگر را برای روزهای سخت آموزش داده، نگاهش به جریان آب، دقیق و کارشناسی است و کوچک‌ترین تغییر در سطح آب را نشانه‌ای از خطر می‌داند: «سیلاب پدیده‌ای ناگهانی است و بر اثر بارش‌های شدید، شکستن آب‌بندها یا سرریز شدن سدها رخ می‌دهد. ما این حادثه را در تجربیش، گلاب‌دره و امامزاده داوود تهران دیده‌ایم. وقتی در مسیر رودخانه‌های فصلی که سال‌ها خشک بوده‌اند ساخت‌وساز انجام می‌دهیم، یا حریم رودخانه را آسفالت می‌کنیم و بلوار ساحلی می‌سازیم، آب مسیر طبیعی‌اش را دوباره پس می‌گیرد و فاجعه می‌آفریند. هلال‌احمر با تیم‌های تخصصی و مربیان دوره‌دیده در این حوادث ورود می‌کند.»

او وقتی از تجربیات نجات میدانی‌اش می‌گوید، به حادثه‌ای دلهره‌آور در جنوب کشور اشاره می‌کند: «از سال ۱۳۷۹ به عنوان داوطلب وارد جمعیت شدم و بیش از ۱۲ سال است مدرس و مربی نجات در سیلاب هستیم. در حوادث بسیاری حضور داشته‌ام، مثل سیل خوزستان که با قایق خانواده‌هایی را که دیر اقدام کرده بودند از محاصره آب بیرون کشیدیم و در نقاط مرتفع اسکان دادیم. اما یکی از سخت‌ترین ماموریت‌های من به سیل سال ۱۳۹۵ در دزفول برمی‌گردد. سه نفر برای تفریح رفته بودند و بی‌توجه به هشدارها وسط رودخانه روی صخره‌ای گیر

افتاده بودند. آب با سرعت بالا می‌آمد و هر لحظه ممکن بود صخره کاملاً زیر آب برود و جریان تند این افراد را با خود ببرد.»

حسن‌پور از تصمیم‌گیری سریع و رعایت گام‌به‌گام اصول ایمنی در ثانیه‌های سرنوشت‌ساز آن روز می‌گوید: «ما قایق جیمینی را آماده و باد کردیم. همراه دو نفر از همکارانم جلیقه‌های نجات، کلاه کاسکت و طناب‌ها را برداشتیم و چند جلیقه اضافه هم برای آن افراد بردیم. نجاتگر تا وقتی مجبور نشود، نباید بی‌گدار به آب بزند. اول از ابزارهایی مثل چوب‌دست، کیسه پرتاب و طناب استفاده می‌کنیم و در آخرین مرحله، خودمان با قایق یا شنا وارد می‌شویم. با شناخت کامل از جریان آب، بالش‌تک‌ها و گرداب‌ها، قایق را از بالادست کنترل کردیم، به صخره نزدیک شدیم، سریع جلیقه‌ها و کلاه‌ها را بر تن آن‌ها پوشانیدیم و با روش‌های فنی هر سه نفر را سالم سوار قایق کردیم و به ساحل امن رساندیم. اگر مردم فقط به ابرها و بالا آمدن آرام آب دقت کنند و سریع از بستر رودخانه فاصله بگیرند، هرگز چنین خطرانی جان‌شان را تهدید نمی‌کند. مساله‌ای که متأسفانه خیلی وقت‌ها از سوی مردم جدی گرفته نمی‌شود و گاهی تفریحی شاد، برای آنها تبدیل به فاجعه‌ای هولناک می‌شود. مردم باید بدانند که هنگام بارش‌های سخت، از بستر رودخانه‌ها تا می‌توانند فاصله بگیرند و تا حد امکان خود را به ارتفاع برسانند. در بسیاری از این حوادث خود مردم هستند که می‌توانند از بروز فاجعه جلوگیری کنند.»

شناخت خطرات در آب‌های خروشان

او از لحظه رهاسازی و حس شیرین نجات جان پنج انسان در آستانه مرگ سخن می‌گوید؛ روایتی از فداکاری و مهارت فنی که در خاطره هلال‌احمر گیلان ثبت شده است: «تخته‌سنگ‌ها و شاخه‌های بزرگ درخت در آب شناور بودند و هر لحظه ممکن بود با ما برخورد کنند یا جریان آب ما را به زیر بکشد. کارگاه تیرول را بستیم، جلیقه نجاتم را درآوردم و بر تن خانم باردار پوشاندم. او را بدون اینکه پایش به آب بخورد، از روی طناب و کارگاه به این طرف آب منتقل کردیم. سپس هر چهار نفر دیگر را هم رهاسازی کردیم و با خودرو به مکان امن بردیم. رمز موفقیت ما تجربه بالا، حفظ ایمنی، سرعت عمل و کار

فنی بود. اگر دیر می‌رسیدیم باید پیکر آن‌ها را از آب بیرون می‌کشیدیم. در اینگونه حوادث، اصولاً تخته‌سنگ روان روی آب، چوب‌های بزرگ، درختان و تیزی‌های مختلف ممکن است خطرآفرین باشند. جریان‌های تند آب هم امکان دارد فرد را زیر طناب بکشانند و باعث خفگی نجاتگر شود. در این حادثه ما با در نظر گرفتن اینگونه مسائل و ایمن‌سازی محل، وارد آب و موفق به نجات شدیم. برای همین است که در هلال‌احمر اواخر تابستان دوره‌های بازآموزی و تمرین‌های عملیاتی برگزار می‌کنیم تا نیروها هنگام حادثه دقیقاً بدانند چطور با پمپ‌ها، قایق‌ها و ابزارهای فنی کار کنند و با اولویت‌بندی درست، جان مردم را نجات دهند.»

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور، احتمال بروز سیل در کشور را بررسی می‌کند

سیل، خبر می‌دهد

لیلا شوقی | سیل که بخش زیادی از نپال را با خود برد، همه نگران شدند و از بروز احتمالی وقوع سیلی عظیم در کشور گفتند؛ این که امسال خطر ال‌نینو، افزایش بارش‌های فصلی و تغییرات اقلیمی، دست به دست هم داده‌اند تا شهرهای ایرانی شاهد طغیان طبیعت و رودخانه‌ها باشند. هر چند که همه کارشناسان از بروز سیل حتمی در پاییز خبر میدادند، اما هنوز شهر یورماه به نیمه نرسیده، سیل در بخشی از شهرهای شمالی روان شد تا هشدار سیل از آنچه که فکر می‌کردیم به ما نزدیک‌تر هم باشد. حالا اما احد وظیفه، رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور، بروز سیل را محتمل‌تر از همیشه می‌داند و معتقد است حالا که هنوز دیر نشده، بهتر است امدادگران برای امدادرسانی خودشان را آماده کنند.

اقلیم حادثه‌خیز

داشتن این رتبه، خوشایند نیست؛ این که ایران، رتبه چهارم سیل‌خیزی در جهان را دارد. بخشی از کسب این رتبه، البته به اقلیم سرزمین پارسی‌زبانان برمی‌گردد، به این که نامش را هم شنیده‌ایم، فلات ایران و بخش زیادی از ایران‌زمین، در سطح پست قرار دارد و به مراتب، بارش باران و وزش باد، می‌تواند باعث بروز سیل شود؛ هر چند که دلایل دیگری هم مزید بر علت شده‌اند، از بین بردن پوشش گیاهی، ساخت و ساز در حاشیه رودخانه و از بین رفتن دبی آب، بی‌توجهی به مسئله آبخیزداری و هزاران دلیل و علت دیگر که می‌تواند آتش بروز سیل را در کشور شعله‌ورتر و محتمل‌تر هم کند؛ البته که دانستن این نکته هم مهم است، این که طبق نقشه سیل‌خیزی مخاطرات آبی کشور، ۶۹ درصد از جمعیت ایران، در ۴۵۰ شهر و در هشت هزار و ۶۵۰ آبادی مستعد سیل‌خیزی زندگی می‌کنند و همه این‌ها می‌گویند که حدود ۵۶ میلیون نفر از جمعیت ایران، ممکن است متاثر از سیل باشند؛ بنابراین توجه به بروز سیل می‌تواند برای کیفیت زندگی این حدود ۵۶ میلیون نفر، مهم باشد.

هشدارهایی که باید جدی گرفت

آنچه کارشناسان از چند وقت قبل می‌گفتند، روشن بود؛ ال‌نینو در ایران روی می‌دهد و سیل را به همراه خواهد آورد؛ بعد هم سیل نپال و علت بروز سیل، یعنی آب شدن یخچال‌ها، سیل توفنده و غرنده‌ای را به وجود آورد تا نگرانی‌ها برای بروز سیلی عظیم به اوج خودش برسد. به خاطر همین است که به سراغ احد وظیفه، رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور، رفتیم و از او درباره احتمال بروز سیل در فلات ایران، پرسیدیم. او با اشاره به سیل نپال به پیام هلال می‌گوید: «علت وقوع سیل نپال، آب شدن یخچال‌های طبیعی بود و آب شدن یخچال‌ها در ایران نامحتمل است؛ اما پدیده ال‌نینو را در پیش داریم که توجه به آنچه می‌تواند رقم بزند، حائز اهمیت است.» او از میزان و شدت بارش‌های احتمالی پاییز امسال می‌گوید: از این که طبق پیش‌بینی‌ها و وقوع پدیده ال‌نینو در کشور، میزان بارش‌های پاییز از حد نرمال هم بیشتر خواهد شد تا احتمال بروز سیل را در کشور افزایش دهد. او می‌گوید: «پتانسیل بروز سیل اما بیشتر هم خواهد بود، زمانی که کشور ما سال‌ها با خشکسالی دست و پنجه نرم کرده است و در بسیاری از مناطق کشور هم پوشش گیاهی مناسب مقابله با بروز سیل نداشتیم.» مسئله تغییرات اقلیمی، تغییر سبک آب و هوایی و بارشی و ساختار نامناسب بستر رودخانه‌های کشور هم دلایلی است که از نظر رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور، بیش از هر زمان دیگری، بروز سیل را محتمل‌تر می‌کند.

آمادگی همگانی

وظیفه می‌گوید: «ما باید به پیشباز آمادگی در برابر سیل برویم، طبیعت هم در حال هشدار است، این که امروز شهرهای شمالی کشور، دچار سیل شده‌اند، میتواند این هشدار را به ما بدهد که آمادگی خودمان را بیشتر کنیم.» درست است، بخشی از آمادگی مربوط به مدیریت حوزه آب و منابع انرژی و بخش عظیم دیگری هم به مسئله آبخیزداری در کشور مربوط است؛ مسائل مهمی که حداقل در حوزه کلان نادیده گرفته می‌شود، اما این کارشناس حوزه مدیریت بحران معتقد است که از همین حالا، باید با توجه به هشدارهای طبیعت درباره بروز سیل، امدادگران هم به گوش و آماده باشند. او می‌گوید: «ساختار منطقه‌ای اقلیمی ایران به شکلی است که هر سال، پاییز، ما منتظر وقوع سیل، در برخی از مناطق کشور، مانند مناطقی از استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان هستیم، اما با توجه به این که بروز سیل هم امسال زودتر از انتظارات به وقوع پیوسته است، به نظر می‌رسد که آمادگی‌هایمان باید بیشتر شود و هم این که منتظر رخدادهای احتمالی شدیدتر باشیم.»

تجربه‌های ارزشمند گذشته

نه نمی‌شود، نمی‌شود درباره سیل حرف زد و از گذشته تلخ یاد نکرد؛ از روزهای پایانی اسفند ۹۷ و بعدتر، از عید ۹۸ و مصیبت افسارگسیخته‌ای که حتی تا خردادماه همان سال، ادامه پیدا کرد. تصویری تلخ و تکان‌دهنده اما همیشه در ذهن نگارنده این گزارش نقش بسته است و هیچ وقت هم پاک نخواهد شد؛ صبح یکی از روزهای میانی اردیبهشت‌ماه ۹۸، زمانی که آب رودخانه کشکان لرستان طغیان کرده بود و رودخانه همه گل و محتوبات وجودش را روی بخش غربی شهر پل‌دختر لرستان بالا آورده بود. نیمی از شهر زیر گل‌ولای بود؛ بدون چکمه توان حرکت در گلی که تا زیر زانو می‌رسید، وجود نداشت؛ با چکمه عاریه‌ای یکی از اهالی شهر، در حال تردد بودم که چشم متوجه خانه‌ای شد. سیل نیمی از خانه دو طبقه را با خود برده، از طبقه دوم، یخچال سایید بای سایید بین زمین و آسمان مانده بود، اما صحنه‌ای که در نزدیکی این خانه بود، از همه عجیب‌تر می‌نمود؛ صاحبخانه، با شلوار گشاد کردی روی گل‌ولای حیاط خانه نشسته بود، در حال قلیان کشیدن! کمی آن طرف‌تر، امدادگران جمعیت هلال احمر و اعضای گروه‌های جهادی در حال کار کردن و عرق ریختن بودند، داشتند به سختی، وسایل سالم را از زیر گل و لای بیرون می‌کشیدند. صدای بلند و سرخوش قل‌قل قلیان اما به صحنه، حس عجیبی داده بود؛ صاحبخانه تعارف زد: «خانم خبرنگار، بفرما قلیان... نمک نداردها.» خانه مرد در حال فرو ریختن بود و او بی‌خیال از همه دنیا، قلیانش را می‌کشید، اما جمله‌ای که بعدتر گفت، مثل آب یخی بود که روی سر ما ریخت. مرد بی‌خیال گفت: «شب قبل از سیل، امدادگرهای هلال آمدند در خانه را زدند و گفتند که خانه را خالی کنیم، وسایلمان را هم برداریم، فردا سیل می‌آید... ما اما در خانه ماندیم... این خانه نوساز بودها؟ این یخچال سایدی که آویزان است، تازه خریده بودم...» این حرف بسیاری از امدادگران آن روزها بود، این که هشدار را به شهروندان داده‌اند، اما کسی به حرف آن‌ها گوش نداده است.

هشدار دادن همیشه در رسانه‌های ایرانی جدی بوده است، این که ال‌نینو و همانند سیل نپال می‌تواند در ایران هم اتفاق بیفتد، اما به یک نکته مهم هم باید توجه کرد؛ دکه حساسیت جامعه ایرانی، با هشدارهای بی‌شمار و همیشگی، ممکن است خاموش شود، مخصوصا در این روزهای پرتهاپ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛ هر چند که عقل سلیم می‌گوید: «پیشگیری همیشه بهتر از درمان است.»

گفت‌وگو با معاون آموزش و پژوهش هلال‌احمر خوزستان درباره سیل در ایران؛ از تغییر اقلیم تا ضرورت آمادگی مردم و امدادگران

آمادگی؛ سپر جان، سد سیلاب

فرشته کیانی | از گیلان تا مازندران بارش‌های شدید بار دیگر سیلاب را بر سر خط خبرهای اقلیمی نشاناند و این سوال را در اذهان: سیل تا چه اندازه تهدیدی جدی برای ایران است و آیا باید نگران بود؟ از سوی دیگر، مردم و امدادگران چقدر برای مواجهه با سیل آماده‌اند؟ معاون آموزشی و پژوهشی جمعیت هلال‌احمر خوزستان با اشاره به تغییر جدی الگوی بارش در ایران معتقد است که نگرانی درباره سیل کاملاً بجاست، نگرانی‌ای که باید هدفمند و علمی باشد، نه اضطراب آفرین. مجتبی طحان سیل را نه تهدیدی مقطعی، بلکه مخاطره‌ای ساختاری و فزاینده می‌داند که مدیریت آن نیازمند آمادگی مستمر است؛ چه در سطح عمومی و چه در میان نیروهای عملیاتی. او هر چند سطح آمادگی عمومی را آسیب‌شناسی می‌کند، اما معتقد است که در سال‌های اخیر مقوله آموزش همگانی در جمعیت هلال‌احمر جهش مطلوبی داشته است؛ چنانکه آمادگی امدادگران هلال‌احمر.



کدام مناطق و استان‌های کشور آسیب‌پذیر ترند؟

آسیب‌پذیری سیل در ایران تابع سه عامل است: الگوی بارش، توپوگرافی و تراکم جمعیت و زیرساخت. بر این اساس، می‌توان چند پهنه اصلی را شناسایی کرد. پهنه غرب و جنوب‌غرب شامل استان‌های کرمانشاه، ایلام، لرستان، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، فارس، بوشهر و حتی هرمزگان است. این منطقه به‌دلیل مواجهه با سامانه‌های مدیترانه‌ای و رطوبت خلیج فارس، هم‌زمان با شیب تند زاگرس، مستعد روان‌آب‌های شدید و سیلاب‌های ناگهانی است. پهنه شمال و شمال‌شرق شامل استان‌های گلستان، مازندران و بخش‌هایی از خراسان رضوی و شمالی است. داده‌ها نشان‌دهنده شدت بارش‌های سنگین در این پهنه و بالا بودن بسامد آن در برخی ایستگاه‌هاست. این ترکیب «شدت بالا و بسامد بالا» خطر تجمعی را افزایش می‌دهد. پهنه جنوب‌شرق شامل سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی است. اگرچه بسامد بارش‌های سیل‌آسا در این منطقه کمتر است، اما شدت رویدادهای نادر بسیار بالاست. این الگو خطر سیل‌های ناگهانی و غافلگیرکننده را در مناطق خشک ایجاد می‌کند. به‌طور کلی، تقریباً هیچ استان کشور را نمی‌توان کاملاً ایمن از سیلاب دانست. حتی استان‌های کویری نیز در معرض سیلاب‌های ناگهانی قرار دارند.

سیل تا چه اندازه تهدیدی جدی برای ایران است و آیا باید نگران بود؟

بله، نگرانی کاملاً بجاست، اما این نگرانی باید هدفمند و علمی باشد، نه اضطراب‌آفرین. داده‌های پژوهشی نشان می‌دهد که الگوی بارش در ایران در حال تغییر جدی است. در بیش از نیمی از ایستگاه‌های هواشناسی کشور، میزان بارش سالانه کاهش یافته، اما شدت بارش‌های روزانه افزایش پیدا کرده است. این یعنی ما با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که حاصل آن، این است که تعداد روزهای بارانی کم شده، اما وقتی بارش می‌آید، به‌صورت متمرکز و سیل‌آسا نازل می‌شود. از نظر علمی، این رفتار با گرم‌شدن جو قابل توضیح است. با افزایش دما، ظرفیت نگهداری بخار آب در اتمسفر بیشتر می‌شود و جو می‌تواند حجم عظیمی از آب را در بازه‌های زمانی کوتاه تخلیه کند. به زبان ساده، رویدادهایی که قبلاً هر چند دهه یکبار رخ می‌دادند، امروز با بسامد بالاتری ظاهر می‌شوند. بنابراین، سیل نه تهدیدی مقطعی، بلکه مخاطره‌ای ساختاری و فزاینده است که مدیریت آن نیازمند آمادگی مستمر است.

در سال‌های اخیر در مقوله آموزش همگانی در جمعیت هلال‌احمر و به‌ویژه تولیدات محتوایی و آموزش‌های مجازی و آگاهی‌بخش، تحولی بزرگ ایجاد شده است و می‌توان گفت که این حوزه جهش بسیار مطلوبی را تجربه کرده است.

مردم ایران چقدر برای مواجهه با سیل آماده‌اند؟

اگر صادقانه ارزیابی کنیم، سطح آمادگی عمومی ناکافی و نامتوازن است. بر اساس شاخص‌های ملی، آمادگی خانواده‌های ایرانی در برابر مخاطرات از حدود ۸.۵ درصد در سال ۱۳۹۱ به حدود ۹.۳ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده و هدف‌گذاری برای ارتقای آن به ۳۰ درصد انجام شده است. این اعداد نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از خانواده‌های ایرانی هنوز آمادگی کافی برای مواجهه با مخاطراتی مانند سیل را ندارند. این ارزیابی بر سه شاخص استوار است.

شاخص اول، دانش مخاطره است. بسیاری از مردم تصور می‌کنند سیل فقط در مناطق سیل‌خیز شناخته‌شده رخ می‌دهد، در حالی که تغییر الگوی بارش باعث شده سیلاب‌های ناگهانی در مناطقی رخ دهند که سابقه تاریخی سیل ندارند.

شاخص دوم، آمادگی رفتاری است. ما هنوز با پدیده عادی‌سازی خطر مواجهیم، بدین معنی که وقتی مردم بارها هشدار سیل می‌شنوند، اما سیل رخ نمی‌دهد، نسبت به هشدارهای بعدی بی‌اعتنا می‌شوند. این، پدیده‌ای شناخته‌شده در روانشناسی مخاطره است.

شاخص سوم، آمادگی خانوار است. بسیاری از خانواده‌ها نه کیف اضطراری دارند، نه طرح تخلیه می‌دانند، نه نقاط امن محله خود را می‌شناسند. نکته امیدوارکننده این است که در مناطقی که هلال‌احمر آموزش‌های محله‌محور اجرا کرده، سطح آمادگی به‌مراتب بالاتر است. این نشان می‌دهد آموزش هدفمند و مستمر اثرگذار است، اما پوشش و تداوم آن باید افزایش یابد. البته در سال‌های اخیر در مقوله آموزش همگانی در جمعیت هلال‌احمر و به‌ویژه تولیدات محتوایی و آموزش‌های مجازی و آگاهی‌بخش، تحولی بزرگ ایجاد شده است و می‌توان گفت که این حوزه جهش بسیار مطلوبی را تجربه کرده است.

یک خانواده در منطقه سیل‌خیز از همین امروز چه کارهایی می‌تواند انجام دهد؟

بر اساس مدل آمادگی خانوار که در آموزش‌های هلال‌احمر تدریس می‌شود، اقدامات را به سه سطح تقسیم می‌کنیم. در سطح اول که دانش و برنامه‌ریزی است، نقشه خطر سیل محله خود را از شهرداری یا هلال‌احمر بگیرید و بدانید آیا خانه شما در پهنه خطر قرار دارد یا نه. همچنین مسیر تخلیه





■ چرا مردم خطر آب را دست کم می گیرند؟

این پرسش، هسته اصلی آموزش مخاطره است. سه سازوکار روان‌شناختی و اجتماعی در اینجا فعال است.

اول، سوگیری خوش‌بینی؛ مغز انسان به‌طور طبیعی تمایل دارد احتمال وقوع رویدادهای منفی را برای خود کمتر از دیگران برآورد کند. فرد می‌گوید برای من اتفاق نمی‌افتد یا من کنترل اوضاع را در دست دارم.

دوم، توهم کنترل بر آب؛ آب در حالت عادی قابل مدیریت به نظر می‌رسد، اما نکته علمی این است که نیروی آب با سرعت و عمق به‌صورت تصاعدی افزایش می‌یابد. برای مثال، آب با عمق ۳۰ سانتی‌متر و سرعت ۳ متر بر ثانیه می‌تواند یک خودروی سواری را جابه‌جا کند. بسیاری از رانندگان این محاسبه فیزیکی را نمی‌دانند و فکر می‌کنند فقط کمی آب است.

سوم، تجربه‌های قبلی ناقص؛ یعنی کسی که بارها از یک مسیر آب‌گرفته عبور کرده و اتفاقی نیفتاده، این را شاهد عینی ایمنی تفسیر می‌کند، در حالی که هر رویداد سیلاب شرایط منحصربه‌فرد خود را دارد. راه‌حل این است که آموزش‌های ما باید بر تجربه‌های شبیه‌سازی‌شده و اعداد و محاسبات ساده متمرکز شود، نه صرفاً توصیه‌های کلی.

■ آیا مردم تصور درستی از خطر عبور یا توقف خودرو در مسیر سیلاب دارند؟

خیر، تصور عمومی به‌شدت با واقعیت فیزیکی فاصله دارد. این یکی از خطرناک‌ترین شکاف‌های دانش در مدیریت سیلاب است. اعداد دقیق را باید بدانیم. آب با عمق ۱۵ سانتی‌متر می‌تواند تعادل یک فرد بزرگسال را بر هم بزند. آب با عمق ۳۰ سانتی‌متر می‌تواند یک خودروی سواری را شناور کند. آب با عمق ۶۰ سانتی‌متر می‌تواند یک خودروی شاسی‌پلند را جابه‌جا کند. نکته بحرانی این است که بیشتر قربانیان سیلاب در ایران نه در خانه‌هایشان، بلکه در خودرو یا در حال عبور از مسیر آب‌گرفته جان می‌بازند.

پیام آموزشی هلال‌احمر صریح و بدون استثناست:

«اگر آب روی جاده جریان دارد، حتی اگر کم‌عمق به نظر می‌رسد، از آن عبور نکنید. اگر خودرو در آب گیر کرد، فوراً خودرو را ترک کنید و به سمت ارتفاع بروید.»

■ پس از فروکش کردن سیلاب، آیا خطر تمام شده است؟

خیر، فاز پس از سیل یکی از پرمخاطره‌ترین مراحل است و متأسفانه کمترین توجه آموزشی به آن می‌شود. خطرات اصلی عبارتند از آب آلوده، برق، سازه‌های آسیب‌دیده، گل‌ولای، حیوانات و سیلاب مجدد.

آب سیل حاوی فاضلاب، مواد شیمیایی و عوامل بیماری‌زاست و خطر بیماری‌های گوارشی و پوستی جدی است. تا اطمینان از سالم بودن آب آشامیدنی، فقط باید از آب بسته‌بندی‌شده استفاده شود. خطر برق‌گرفتگی در ساختمان‌های آب‌گرفته بسیار بالاست. تا زمانی که کارشناس برق ساختمان را تأیید نکرده، باید از روشن کردن کلیدهای برق خودداری شود. دیوارها و سقف‌ها ممکن است ترک خورده یا ناپایدار شده باشند. قبل از ورود، باید از بیرون، ساختمان را از نظر ترک‌های عمیق و نشست بررسی کنیم. همچنین گل‌ولای سیل ممکن است حاوی اجسام تیز باشد؛ پس باید با دستکش و کفش مناسب پاکسازی انجام شود. مارها و جوندگان در جست‌وجوی پناهگاه به خانه‌ها پناه می‌آورند. باید با احتیاط وارد فضاهای بسته شویم. به خاطر دارم پس از سیل سال ۱۳۹۵ در منطقه شعبیه شوشتر، مارهای سمی از بالادست با جریان آب وارد روستاها شده بودند و در برخی مناطق شاهد مارگزیدگی اهالی روستا بودیم. پس از سیل اول، خاک اشباع است و بارش حتی با شدت کمتر می‌تواند سیلاب جدید ایجاد کند، بنابراین باید به هشدارهای هواشناسی توجه شود.

■ نقش آموزش‌های همگانی هلال احمر چقدر است؟ آیا باید به سمت آموزش محله‌محور برویم؟

آموزش، کم‌هزینه‌ترین و مؤثرترین ابزار کاهش تلفات سیل است. هلال‌احمر از سال ۱۳۹۵ برنامه ملی خادم، یعنی خانواده آماده در مخاطرات، را آغاز کرده بود. در این برنامه، مربیان داوطلب ما در ۱۲ نوبت به منازل مراجعه می‌کردند و در هر نوبت آموزش‌های کوتاه ۵ تا ۱۰ دقیقه‌ای ارائه می‌دادند. اعتبار آموزش‌های همگانی تا سه برابر افزایش یافته و هدف‌گذاری شده که در یک

البته باید تخصصی‌تر دنبال شود.

دوم، تجهیزات تخصصی است. در سال‌های اخیر، تجهیزات امدادی قابل‌توجهی به ناوگان هلال‌احمر اضافه شده است. برای مثال در اردیبهشت ۱۴۰۵، دو‌یست خودروی امدادی و چهارصد موتورسیکلت به ناوگان اضافه و قرارداد خرید پنج فروند بالگرد دید در شب نیز منعقد شد. همچنین طراحی تجهیزات تخصصی برای عملیات سیلاب آغاز شده است.

سوم، ایمنی امدادگر است. ایمنی امدادگر باید در اولویت آموزش باشد، زیرا امدادگری که خودش آسیب ببیند، نمی‌تواند امداد کند. پیشنهاد من به‌روزرسازی تیم‌های تخصصی جست‌وجو و نجات در سیلاب به‌ویژه در استان‌های پرخطر با آموزش‌های پیشرفته نجات در آب و تجهیزات اختصاصی است.

■ بزرگ‌ترین نقطه ضعف ما در مواجهه با سیل چیست؟

اگر بخواهم صادقانه و تخصصی پاسخ دهم، بزرگ‌ترین نقطه ضعف، شکاف هماهنگی بین هشدار، پیشگیری و پاسخ است. هیچ‌کدام از این‌ها به‌تنهایی ضعف مطلق نیستند، اما اتصال بین آنها ضعیف است. سازمان هواشناسی هشدار می‌دهد، اما هشدار به اقدام تبدیل نمی‌شود. یعنی دریافت‌کننده هشدار می‌داند که سیل می‌آید، اما نمی‌داند دقیقاً چه کاری، کجا و چه زمانی انجام دهد. نقشه‌های خطر سیل وجود دارد، اما در تصمیم‌گیری توسعه شهری و روستایی به‌طور جدی لحاظ نمی‌شود. ساخت‌وساز در حریم رودخانه‌ها، تغییر کاربری اراضی و تخریب پوشش گیاهی، آسیب‌پذیری را افزایش می‌دهد.

هلال‌احمر در پاسخ توانمند است، اما اگر پاسخ جایگزین پیشگیری شود، هزینه‌ها تصاعدی بالا می‌رود. ما نمی‌توانیم هر سال با تیم‌های امدادی به استقبال سیل برویم، باید ریسک را قبل از وقوع کاهش دهیم. راه‌حل ایجاد سامانه یکپارچه مدیریت ریسک سیل با مشارکت هواشناسی، وزارت نیرو، وزارت راه، شهرداری‌ها و هلال‌احمر است. این سامانه باید سه کار را هم‌زمان انجام دهد: پایش لحظه‌ای، هشدار هدفمند و هماهنگی عملیاتی.

■ هلال احمر باید روی پاسخ تمرکز کند یا پیشگیری و کاهش خطر؟

پاسخ قطعی این است: هر دو، اما با توازن راهبردی. هلال‌احمر به‌عنوان نهادی امدادی، ذاتاً در حوزه پاسخ مأموریت دارد و باید در آن حرفه‌ای و چابک باشد. اما تجربه جهانی و اساسنامه جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال‌احمر بر کاهش خطر بلایا به‌عنوان یکی از سه مأموریت اصلی تأکید دارد. چرا پیشگیری؟ زیرا هر واحد سرمایه‌گذاری در پیشگیری، چند برابر در پاسخ صرفه‌جویی می‌کند. آموزش یک محله، تهیه نقشه خطر، تمرین تخلیه، این‌ها سرمایه‌گذاری‌های کم‌هزینه با بازده بالا هستند. نقش منحصربه‌فرد هلال‌احمر در پیشگیری این است که هلال‌احمر اعتماد اجتماعی دارد. مردم به هلال‌احمر اعتماد می‌کنند. این سرمایه اجتماعی، هلال‌احمر را به بهترین سازمان برای آموزش همگانی و بسیج محلی تبدیل می‌کند. ما باید از این اعتماد برای فرهنگ‌سازی آمادگی استفاده کنیم. پیشنهاد عملی این است که هلال‌احمر باید در هر استان پرخطر، یک واحد کاهش خطر داشته باشد که به‌طور تخصصی روی آموزش محله‌محور، تشکیل تیم‌های آمادگی محله و ارتباط با شوراهای شهر و روستا کار کند.

■ تجربه عملیات‌های گذشته چه درس‌هایی برای آمادگی امروز هلال احمر داشته است؟

تجربه عملیات سیلاب‌های سال‌های اخیر چند درس کلیدی داشته است. درس اول این است که سیلاب بالادست با سیلاب محلی متفاوت است. در بسیاری از مناطق، سیلاب از بالادست می‌آید و زمان واکنش کوتاه است. بنابراین، هشدار زودهنگام مبتنی بر پایش بالادست ضروری است.

درس دوم این است که تخلیه پیشگیرانه مؤثرتر از امداد پس از حادثه است. در برخی موارد، اگر روستاها چند ساعت قبل از رسیدن سیلاب تخلیه می‌شدند، تلفات جانی به‌شدت کاهش می‌یافت. هلال‌احمر باید در تصمیم‌گیری

برای تخلیه نقش مشورتی قوی داشته باشد. درس سوم این است که ارتباطات در سیلاب بحرانی‌ترین نیاز است. در سیلاب‌های گسترده، شبکه‌های ارتباطی قطع می‌شوند. هلال‌احمر باید تجهیزات ارتباطی جایگزین و پروتکل ارتباطی مشخص داشته باشد. درس چهارم این است که بازیابی و بازتوانی، بخش فراموش‌شده است. پس از فروکش سیلاب، مردم ماه‌ها با مشکلات روحی، اقتصادی و مسکن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. هلال‌احمر باید تیم‌های حمایت روانی و برنامه‌های بازتوانی معیشتی را تقویت کند. درس پنجم این است که مشارکت مردم محلی کلید موفقیت است. در مناطقی که تیم‌های محلی وجود داشت، پاسخ سریع‌تر و مؤثرتر بود و ما واقعا در سیل استان خوزستان در سال ۱۳۹۸ این موضوع را تجربه کردیم. هلال‌احمر باید شبکه داوطلبان محلی را در هر روستای پرخطر تقویت کند.

■ نقش تغییر اقلیم در تشدید سیلاب‌های ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ایران یکی از کشورهایی است که نقاط اوج اقلیمی را تجربه می‌کند. یکی از این نقاط، تغییر توزیع بارش از حالت متعادل به حالت سیل‌آساست. مدل‌های اقلیمی نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۵۰، یخش قابل‌توجهی از جمعیت ایران ممکن است تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار گیرد. بنابراین، مدیریت سیل در ایران بدون سازگاری با تغییر اقلیم ممکن نیست. امسال هم که ماجرای ال‌نینو جدی و احتمال پاییز پر بارش مطرح شده است.

■ پیام شما به مردم ایران به‌عنوان یک کشور سیل‌خیز چیست؟

پیام من ساده است: سیل تکرارشدنی است. اگر یک‌بار آماده باشید، بارها نجات می‌یابید. یک کیف اضطراری، یک طرح تخلیه، یک تمرین خانوادگی، این‌ها کارهای کوچکی است که تفاوت بین نجات و فاجعه را رقم می‌زند. هلال‌احمر در کنار شماست، اما آمادگی ابتدا از خود شما آغاز می‌شود.



توصیه‌های پدافندی در شرایط اضطراری؛ راهنمای مدیریت ارتباطات

ارتباط حرفه‌ای در شرایط اضطراری

فرشته کیانی | پدافند یعنی دفاع و مقابله با تهدید برای حفظ جان، امکانات، زیرساخت‌ها و امنیت که شامل پدافند عامل و غیرعامل است. تفاوت اصلی انواع پدافند در نحوه مقابله با تهدید است. پدافند عامل یعنی مقابله مستقیم و مسلحانه با تهدید یا حمله و پدافند غیرعامل به معنی کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدید، بدون استفاده از سلاح و درگیری است تا اگر حمله یا حادثه‌ای رخ داد، جان‌باختگان انسانی و خسارت‌ها تا حد امکان کاهش یابد. برنامه‌ریزی مناسب برای آمادگی، آموزش‌های صحیح و کاربردی، مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و زیرساخت‌های مهم، ایجاد پناهگاه و فضاهای امن، ایجاد سامانه‌های پشتیبان برای برق، ارتباطات و آب، تامین حداقل امکانات و تجهیزات اضطراری و ... از دغدغه‌های مهم در پدافند غیرعامل است. نکته مهم هم این است که پدافند غیرعامل فقط مربوط به جنگ نیست؛ بسیاری از اصول آن در برابر مخاطرات طبیعی همانند زلزله، سیل، آتش‌سوزی و تهدیدات انسان‌ساخت (عمدی/غیرعمدی) همانند حملات سایبری، قطع زیرساخت‌های حیاتی و سایر مخاطرات نیز کاربرد دارد. این توضیحات، مقدمه‌ای است برای ورود به سلسله مطالبی با موضوع «توصیه‌های پدافندی در شرایط اضطراری». در بخش نخست از «مدیریت ارتباطات در شرایط اضطراری» خواهیم گفت. با ما همراه باشید.

کم‌گوی و گزیده‌گوی

در شرایط اضطراری، ارتباطات باید کوتاه و هدفمند باشد. وقتی هر ثانیه اهمیت دارد، پیام طولانی یا مبهم ممکن است حتی جان افراد را تهدید کند. گاهی پیامی کوتاه مسیر یک عملیات را تغییر می‌دهد؛ همان‌طور که پیامی مبهم، ناقص یا دیر هنگام احتمال دارد موجب سردرگمی شود. یک گزارش اضطراری خوب قرار نیست داستان حادثه را تعریف کند؛ باید پاسخ چند سؤال اساسی را بدهد: چه اتفاقی افتاده؟ کجا؟ چند نفر آسیب دیده‌اند؟ وضعیت آنها چگونه است؟ چه کمکی نیاز است؟

مثلاً گزارشی مانند «۵ مصدوم، ۲ نفر مصدوم با حال وخیم یا نیازمند انتقال» بسیار کاربردی‌تر از توضیح طولانی درباره جزئیات غیرضروری حادثه است.

یادمان باشد: در بحران، پیام خوب پیامی است که سریع فهمیده شود و دقیقاً همان چیزی را بگوید که باید بدانیم.

پنج اصل برای حرفه‌ای‌ها در ارتباطات

در عملیات امدادی، ارتباطات فقط وسیله‌ای برای انتقال خبر نیست؛ بخشی از مدیریت صحنه و حفظ ایمنی تیم است. به همین دلیل است که هر پیام باید روشن، دقیق، امن و از مسیر تعیین‌شده منتقل شود.

در یک ارتباط حرفه‌ای، پنج اصل باید همواره رعایت شود: وضوح، صحت، امنیت، رعایت سلسله‌مراتب و داشتن مسیر پشتیبان. اطلاعات حساس باید فقط از کانال‌های امن منتقل شوند و همیشه یک راه جایگزین برای زمان قطع ارتباط پیش‌بینی شود.

مسئولیت ارتباط نیز میان اعضای تیم تقسیم شده است؛ اپراتور ارتباطات، سرپرست تیم، مستندساز، فرمانده صحنه و مرکز عملیات هرکدام وظیفه مشخصی در دریافت، انتقال، ثبت و تحلیل پیام‌ها دارند.

یادمان باشد: در شرایط اضطراری، «بیشتر گفتن» الزاماً به معنای «بهتر ارتباط برقرار کردن» نیست؛ یک پیام کوتاه، دقیق و امن، اگر در زمان و مسیر درست منتقل شود، ممکن است از چندین پیام پراکنده مؤثرتر باشد.

ابزار ارتباطات اضطراری را بشناسید

در عملیات امدادی، انتخاب ابزار ارتباطی به اندازه محتوای پیام اهمیت دارد. در شرایط حساس حفظ سکوت عملیاتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. استفاده غیرضروری از بی‌سیم، تلفن یا دیگر ابزارهای ارتباطی ممکن است باعث اختلال یا انتقال اطلاعات نامناسب شود.

ابزارهای امن و توصیه‌شده: بی‌سیم سازمانی، تلفن ماهواره‌ای، سامانه‌های پیام امن سازمانی و تلفن ثابت سازمانی. ابزارهای مشروط: موبایل شخصی فقط در شرایط اضطراری، فکس داخلی برای اسناد غیرحساس و پیامک فقط در صورت نبود راه ارتباطی دیگر.

ابزارهای ممنوع: شبکه‌های اجتماعی عمومی، تماس تلفنی عمومی برای انتقال اطلاعات حساس و اپلیکیشن‌های ناشناس یا غیرسازمانی.

از سوی دیگر، پیام‌های مهم باید ثبت شوند. زمان، فرستنده، گیرنده، نوع پیام و اقدام انجام‌شده باید در فرم‌ها و دفترچه‌های رسمی ثبت و در پایان عملیات به مرکز عملیات تحویل داده شود. حتی اگر تمام کانال‌های ارتباطی قطع شوند، ثبت دستی اطلاعات باید ادامه پیدا کند تا پس از برقراری ارتباط، داده‌ها یکپارچه شوند. ارتباطات در شرایط اضطراری، زیربنای عملیات امداد و نجات محسوب می‌شوند و بدون آن عملیات با مشکل جدی مواجه خواهد شد.

همه‌چیز از یک موج آغاز شد

بیست‌وششم اوت، در امتداد مرز نیپال و تبت، طبیعت ناگهان شکل دیگری به خود گرفت. آب از ارتفاعات پایین آمد؛ اما نه رودخانه‌ای که مردم سال‌ها می‌شناختند. آب، گل، سنگ، یخ و آوار را با خود می‌آورد و با سرعت به سمت دره‌ها می‌رفت. در مسیر، خانه‌ها، جاده‌ها، پل‌ها و زیرساخت‌های حیاتی قرار داشتند. در دویگات، روستایی در منطقه نوواکوت، مردم فرصت زیادی برای واکنش نداشتند. گزارش میدانی لوموند از این منطقه، از روستایی می‌گوید که در عرض چند دقیقه به «دریایی از گل و ویرانی» تبدیل شد. شاهدان از موجی شبیه «سونامی کوهستان» گفتند؛ موجی که خانه‌ها را در خود فرو برد و زندگی روزمره را از هم گسست. اما شاید هیچ تصویری به اندازه این جمله نتواند ابعاد این فاجعه را نشان دهد: یک نفر زنده مانده بود، اما نمی‌دانست آیا کسی بیرون از آن تونل هنوز منتظر اوست یا نه.

بیرون از تونل، نیپال دیگری وجود داشت

چند روز پس از نجات، سانجای ساه به روستای خود بازگشت. رویترز در گزارشی که ۱۳ سپتامبر منتشر کرد، از بازگشت او به روستا و استقبال خانواده و مردم محل نوشت؛ مردی که ۹ روز در تاریکی مانده بود و حالا در آغوش خانواده، به زندگی بازمی‌گشت. در همان روستا اما خانواده‌هایی هستند که هنوز چشم‌انتظار عزیزان مفقود خود مانده‌اند. سانجای ساه در این شرایط می‌تواند نماد امید و تاب‌آوری یک جامعه بحران‌زده تلقی شود. وقتی ساه از تونل بیرون آمد، با کشوری مواجه شد که چهره‌اش تغییر کرده بود. آخرین گزارش رویترز در ۱۵ سپتامبر از یک هزار و ۳۸۶ کشته در نیپال و بیش از ۵ هزار ۱۳۰ مفقودی خبر می‌دهد. در سوی دیگر مرز نیز ۴۳ نفر در تبت جان باخته و ۵۱۹ نفر همچنان مفقود گزارش شده‌اند. اما اعداد، به تنهایی نمی‌توانند عمق فاجعه را توضیح دهند. برای فهم آن باید به روستاها رف؛ به خانه‌ای که دیگر خانه نیست؛ به مدرسه‌ای که کلاس‌هایش زیر گل دفن شده‌اند. رویترز در مجموعه تصاویر میدانی خود از پیامدهای سیلاب، از کلاس‌های پوشیده از گل، خانه‌های ویران و وسایل شخصی ره‌اشده گزارش کرده است؛ تصویری که نشان می‌دهد پس از پایان موج اولیه سیلاب، مرحله سخت‌تری آغاز می‌شود: زندگی کردن در جهانی که نشانه‌های زندگی قبلی از میان رفته است.

وقتی سیلاب، نیپال را بلعید و امداد، از دل ویرانی آغاز شد

روایت ۹ روز زندگی در تاریکی

راضیه زرگری | در تاریکی مطلق یک تونل، جایی در دل کوه‌های نیپال، سانجای ساه نمی‌دانست چند ساعت یا چند روز گذشته است. آب گل‌آلود تنها چیزی بود که برای نوشیدن داشت و هر صدایی از بیرون می‌توانست نشانه رسیدن امدادگران یا فرو ریختن دوباره تونل باشد. او سرانجام پس از ۹ روز از زیر زمین بیرون آمد؛ اما جهان بیرون دیگر همان جهانی نبود که ترک کرده بود. سیلابی که پس از فروپاشی یخچال‌های کوهستانی در ۱۲۶ اگوست ۲۰۲۶ راه‌افتاده بود، روستاها را زیر گل و سنگ مدفون کرده، راه‌ها و پل‌ها را شکسته و هزاران خانواده را در انتظار خبری از عزیزان‌شان رها کرده بود. نیپال حالا با یکی از پیچیده‌ترین عملیات‌های جست‌وجو، امداد و بازسازی خود روبه‌روست؛ عملیاتی که نشان می‌دهد در یک فاجعه بزرگ، نجات یک انسان تنها آغاز راه است.

۹ روز در دل کوه

سانجای ساه، سرکارگر مکانیک ۳۰ ساله در یک نیروگاه برق‌آبی هنگام وقوع سیلاب در تونل بود. آب و گل راه خروج را بست. ساه برای زنده ماندن، از آب سیلاب و آبی که از شکاف‌های کوه نفوذ می‌کرد نوشید. غذا نداشت. نور نداشت. ساعت و تقویم هم معنای خود را از دست داده بودند. رویترز در روایت اختصاصی خود از این حادثه نوشته است که ساه برای محافظت از چشم‌هایش در تاریکی، بیشتر اوقات آنها را بسته نگه می‌داشت و دعا می‌خواند. «باید همه را نجات می‌دادم.» این جمله، تنها روایت یک کارگر گرفتار در تونل نیست؛ تصویری از همان لحظه‌ای است که یک انسان، پیش از آنکه به نجات خودش فکر کند، تلاش می‌کند دیگران را نجات دهد. ساه پیش از آنکه آب راه‌ها را ببندد، به دیگران هشدار داده بود که فرار کنند، اما خودش فرصت کافی برای خروج پیدا نکرد. ۹ روز بعد، صدای امدادگران از پشت تاریکی شنیده شد و او زنده بیرون آمد.



بعضی‌ها هنوز منتظرند

روزها گذشته، اما برای خانواده‌های مفقودان، زمان متوقف شده است. آنها نه می‌توانند عزاداری کنند و نه امیدوار نباشند. در بیمارستان‌ها و مراکز شناسایی، خانواده‌ها نمونه DNA می‌دهند. گاردین داستان «پراکریت گوروگ» دختر ۱۹ ساله‌ای را روایت کرده که برای شناسایی مادر مفقودش نمونه خون داده است. پدرش پیدا شده، اما مادرش همچنان مفقود است. او و ده‌ها خانواده دیگر امیدوارند آزمایش DNA بتواند پاسخی برای سال‌ها و روزهای انتظار آنها فراهم کند. در یکی از صحنه‌های گزارش گاردین، مأمور نام فردی را صدا می‌زند؛ زنی جلو می‌رود، مدارک را تحویل می‌گیرد، فرم‌ها را پر می‌کند و سپس برای دادن یک نمونه خون به بخش دیگری از بیمارستان می‌رود. چهره دیگری از امدادسانی؛ گاهی نجات، بیرون کشیدن یک انسان زنده از زیر آوار نیست. گاهی نجات یعنی کمک به یک خانواده برای فهمیدن اینکه بر سر عزیزش چه آمده است.

امداد، هزاران کیلومتر دورتر هم ادامه دارد

اما داستان مفقودان تنها در بیمارستان‌ها و مراکز شناسایی سپری نمی‌شود. در ملبورن استرالیا، زنی به نام سونیا پاتیل هر شب پس از پایان کارش، ساعت‌ها مقابل صفحه رایانه می‌نشیند. او نه امدادگر است و نه عضو یک سازمان رسمی، اما تصاویر منتشرشده از قربانیان را بررسی می‌کند؛ لباس‌ها، خالکوبی‌ها، زیورآلات و هر نشانه‌ای که بتواند به شناسایی یک انسان کمک کند. گاردین نوشته پاتیل، آشپزی است که پس از یک شیفت ۱۲ ساعته، چهار تا پنج ساعت دیگر را صرف جست‌وجوی تصاویر می‌کند. او بخشی از شبکه‌ای از داوطلبان در کشورهای مختلف شده است؛ افرادی که اطلاعات را در گروه‌های آنلاین تطبیق می‌دهند و در صورت احتمال تطابق، خانواده‌ها را به سمت آزمایش DNA و تأیید رسمی هدایت می‌کنند. با این حساب در این فاجعه مدرن، مرزهای جغرافیایی امدادسانی هم تغییر کرده است.

جزئیاتی که معنی

«نیاز بشردوستانه» را روشن می‌کند

سیلاب نپال فقط خانه‌ها را تخریب نکرد. پل‌ها و جاده‌ها، مدارس و عبادتگاه‌ها نیز در بسیاری از مناطق از بین رفتند و همین موضوع عملیات امدادسانی را دشوارتر کرده است. در برخی نقاط، مردم برای عبور از رودخانه‌های طغیان‌کرده از زپ‌لاین‌های موقت استفاده کردند. گزارش آسوشیتدپرس از منطقه سیل‌زده، تصویر مردمی را نشان می‌دهد که حتی برای دسترسی به دارو با مشکل مواجه بودند. برخی افراد در اردوگاه‌های اسکان موقت غذا و اقلام امدادی دریافت می‌کردند، اما داروی مورد نیازشان در دسترس نبود. سورش کومار کارانجیت، یکی از بازماندگان، برادر کوچکترش را در سیل از دست داده بود و داروی مورد نیاز بیماری قلبی‌اش در اردوگاه موجود نبود. او برای تهیه پول دارو، بخشی از اقلام امدادی خود را فروخت. به گفته AP، او یک بسته نودل را به قیمت ۴۰۰ روپیه فروخت تا بتواند دارویش را تهیه کند. این جزئیات شاید در میان آمار هزاران کشته و مفقود، کوچک به نظر برسد؛ اما دقیقاً همین جزئیات است که معنای «نیاز بشردوستانه» را روشن می‌کند.



اگر یکی زنده پیدا شد، دیگری هم می‌تواند پیدا شود

در حالی که مردم روستاها به دنبال بازمانده‌های زندگی خود بودند، عملیات جست‌وجو در نیروگاه‌های برق‌آبی همچنان ادامه داشت. بر اساس گزارش AP، حدود ۹۰۰ کارگر در ۱۲ پروژه برق‌آبی مفقود شده بودند و نزدیک به ۵۰۰ نفر از آنها در تونل‌ها قرار داشتند. تیم‌هایی از نپال، هند، چین، کره جنوبی و آمریکا در عملیات جست‌وجو مشارکت کردند. چند روز بعد، یک کارگر چینی به نام لو هایتائو نیز از یک تونل ۲۲۵ متری بیرون کشیده شد؛ مردی که پس از روزها گرفتار شدن، با بالگرد به محل درمان منتقل شد. هر نجات، دوباره روزه امید را زنده می‌کرد: «اگر یکی زنده پیدا شد، دیگری هم می‌تواند پیدا شود» و همین امیدهاست که عملیات جست‌وجو را ادامه می‌دهد؛ حتی زمانی که احتمال موفقیت کمتر و خستگی امدادگران بیشتر شده باشد.



امدادگر در برابر جغرافیا

در نپال، جغرافیا خودش بخشی از بحران است؛ کوه، دره، رودخانه، تونل، گل، سنگ و مسیرهای قطع‌شده. هر کدام از اینها می‌تواند یک عملیات نجات را متوقف کند، اما عملیات امدادی متوقف نشد. تجربه نپال نشان داد که در چنین شرایطی، امدادسانی نیازمند ترکیبی از توان محلی و بین‌المللی است؛ از نیروهای امدادی و نظامی گرفته تا تیم‌های تخصصی جست‌وجو و نجات و ابزارهای تخصصی مانند پهپادها. در عین حال، مهم‌ترین سرمایه همچنان همان انسان‌هایی بودند که در محل حادثه حضور داشتند و مسیرها، روستاها و ویژگی‌های جغرافیایی منطقه را می‌شناختند. فناوری می‌تواند تصویر بدهد؛ پهپاد می‌تواند مسیر را پیدا کند؛ داده می‌تواند نقطه احتمالی حادثه را مشخص کند، اما در نهایت، انسانی باید وارد منطقه شود.



تجربه نپال؛ درسی برای روزهای سخت ایران

شاید مهم‌ترین درس سیلاب نپال، خود سیلاب نباشد. مهم‌تر از آن، چیزی است که بعد از سیلاب اتفاق افتاد. در نپال، چند بحران همزمان شکل گرفت: از بحران نجات و دسترسی به مفقودین گرفته تا بحران اسکان و حمایت روانی از بازمانده‌ها. هر کدام از این بحران‌ها پاسخ متفاوتی نیاز داشت. این تجربه برای کشوری مانند ایران نیز قابل توجه است؛ کشوری که از سیلاب‌های ناگهانی در مناطق کوهستانی و روستایی تا زلزله، رانش زمین و حوادث پیچیده شهری، با طیفی از مخاطرات طبیعی روبه‌روست.



از استقرار سامانه‌های هشدار سریع تا امداد مبتنی بر فناوری‌های نوین

در حادثه‌ای که تنها چند دقیقه برای تخلیه فرصت وجود دارد، آموزش عمومی و سامانه‌های هشدار سریع می‌توانند فاصله میان «حادثه» و «فاجعه» را تعیین کنند. وقتی جاده و پل از بین می‌رود، اولین امدادگر همان داوطلب محلی، دهیار، عضو خانه هلال یا فرد آموزش‌دیده‌ای است که پیش از رسیدن تیم‌های تخصصی، کنار مردم حضور دارد. نپال نشان داد که عملیات امدادی با پیدا کردن مجروحان پایان نمی‌یابد. ثبت هویت، مدیریت اطلاعات، ارتباط با خانواده‌ها، نمونه‌گیری DNA و بازیبوند تجهیزات، ایجاد ارتباطات جایگزین و تمرین سناریوهای مختلف. اعضای خانواده، بخشی جدایی‌ناپذیر از پاسخ بشردوستانه است. پهپاد، تصاویر ماهواره‌ای، سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی، ابزارهای حرارتی و ارتباطات دیجیتال می‌توانند در مناطقی که دسترسی زمینی دشوار است، زمان طلایی امداد را حفظ کنند. در نهایت مهم‌ترین درس سیل نپال برای هر کشوری که در معرض این مخاطرات طبیعی قرار دارد، می‌تواند این نکته باشد که تاب‌آوری پیش از حادثه ساخته می‌شود؛ با آموزش، تمرین، سازماندهی داوطلبان، شناخت خطر، آماده‌سازی تجهیزات، ایجاد ارتباطات جایگزین و تمرین سناریوهای مختلف.



یک بسته فرهنگی برای این که راحت بخندیم

ییا کمی بنشینیم و بخندیم

لیلی تهرانی | دلمان کمی خنده می خواهد. «این روزها، این جمله زیاد شنیده میشود، این که بنشینیم و کمی بخندیم. حالا خندیدن هم آرزو شده، مخصوصا این که حالا پاییز است و دلمان بیشتر گرفته و خنده را برای خودمان واجب میدانیم. این روزها که قحطی شادی و خنده است، شاید با این بسته فرهنگی، خنده روی لب تان بنشیند.



فیلم پیام اضطراری (mayday):

فیلم «تاپ گان» با بازی تام کروز را دیده‌اید؟ داستان درباره یک خلبان آمریکایی است و اتفاقا فیلم پیام اضطراری هم درباره یک خلبان آمریکایی است که در جنگ سرد، به روسیه میرود و با یک جاسوس پیشین ملاقات میکند. فیلم صحنه‌های خوب اکشن دارد و البته مثل فیلم تام کروز ملودرام نیست که طنز است؛ طنز فیلم پیام اضطراری اما گلدرشت نیست، که طنز کلامی ظریفی است. رینولدز و کنت برانا زوج خوبی شده‌اند و طنز جالبی را همراه با اکشن ساخته‌اند. اگر دل تان حدود یک ساعت و نیم اکشن و طنز میخواهد، فیلم پیام اضطراری را ببیند، چون هم داستان جالب است و هم اینکه مخاطبان نمره خوبی به فیلم داده‌اند.

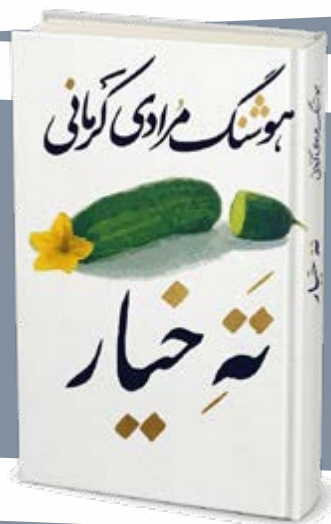
سریال تد لاسو:

حالا فصل چهارم فیلم تد لاسو در حال پخش است. یک سریال ورزشی و طنز که درباره یک مربی فوتبال آمریکایی است؛ تد لاسو که مربی یک تیم فوتبال انگلیسی لندن میشود و در هر قسمت یک داستان حول شخصیت‌های بازه سریال اتفاق می‌افتد. اگر فکر می‌کنید، قرار است یک سریال صرفا ورزشی ببینید، سخت در اشتباهید، این سریال فقط ورزشی نیست و اجتماعی و کمدی هم است. سریال تد لاسو جزو سریال‌های با نمره بالای مخاطب است و در جدول بانک اطلاعات اینترنتی فیلم‌ها (IMDB) نمره بالای، ۹ را دارد.



کتاب ته خیار:

همه هوشنگ مرادی کرمانی را با قصه‌های مجید می‌شناسند و شاید کمتر کسی به سراغ داستان کتاب ته خیار رفته باشد، اما مرادی کرمانی در این کتاب با زبانی طنز که البته بیشتر مناسب بزرگسالان است - برخلاف دیگر آثار این نویسنده - ۳۰ داستان کوتاه را گردآوری کرده است. داستان‌های این مجموعه بیشتر شخصی به نظر می‌رسند، اما تجربه ثابت کرده است که قرار گرفتن در فضای داستانی مرادی کرمانی، لذتبخش و جذاب است. در بخشی از این کتاب آمده است: «گفتم که، امسال چیزی دست‌مان را نگرفت. گرفت، ولی چیز دندان‌گیری نبود. اهالی راضی نبودند، دو تا کامیون بود و چهار تا سوار. اتوبوس خوب است، نان و پول و پله دارد. دو سال پیش چندتا اتوبوس داشتیم. سال پیش شد سه تا. آخرهای زمستان برف سنگینی گردنه را گرفت. قبل از اون هیچ خبری نبود، ولی همین که اتوبوس‌ها پشت سر هم وارد گردنه شدند، برف و کولاک بیداد کرد. چشم چشم را نمی‌دید. اتوبوس‌ها توی سرپایینی گردنه نتوانستند خودشان را نگه دارند. لیز خوردند، آمدند پایین. یکی‌شان نزدیک بود بیفتد روی خانه سیف. خدا رحم کرد. اتوبوس‌ها چندتا معلق زدند. عجیب بود که راننده اولی زنده ماند، چندتا از مسافرها از دنیا رفتند.»



پادکست کشورگرافی:

فقط کمتر از نیم ساعت زمان می‌برد تا درباره یک کشور اطلاعات به دست بیاورید، آن هم با زبان طنز و داستان. البته از همین حالا بگوییم که شاید طنز هر قسمت شما برایتان جذاب نباشد و آن را دوست نداشته باشید، اما این که در نیم ساعت، درباره اطلاعات مهم یک کشور بدانید، می‌تواند جالب باشد؛ پس اگر دوست دارید درباره ژاپن، ماداگاسکار، انگلیس و فرانسه و ... بدانید، به سراغ گوش دادن این پادکست بروید.

